



آیات منتخب

با تأکید بر

قرآن
خاندان
ازامت

تفسیر کاربردی

شصت و سه آیه از قرآن کریم



پژوهشکده بین المللی آفاق - گروه قرآن و حدیث

و

گروه علمی ستاد راهبری طرح ملی قرآنی ۱۴۵۴

طرح قرآنی ستاد



■ تفسیر کاربردی شصت و سه آیه از قرآن کریم ■

برنامه ریزی محتوا: گروه علمی ستاد راهبری طرح ملی قرآنی ۱۴۵۴
پژوهش و تألیف: پژوهشکده بین المللی آفاق / گروه قرآن و حدیث
سرپرستی و نظارت گروه پژوهش: حمید محمدی
پژوهشگران: محسن زارع پور، میلاد شفیعی

امور هنری و طراحی: واحد آفرینش های هنری پژوهشکده آفاق
صفحه آرایی: محمد دهقان
ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر آفاق
صفحه و قطع: ۳۶۰ صفحه / وزیری
نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۹
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۵۸۰۰۰ تومان
چاپخانه: گنج معرفت
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۳۸۲۵-۹

مرکز نشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر آفاق

قم: خیابان جمهوری اسلامی، نبش کوچه ۶، پلاک ۴ تلفن: ۳۲۹۴۱۷۱۶ ۰۲۵ همراه: ۰۹۱۲۴۵۱۸۸۱۰

مرکز پخش: دبیرخانه طرح ملی ۱۴۵۴

تهران: شبکه جام جم - شبکه قرآن و معارف سیما - طبقه سوم تلفن:



فهرست

- درس ۱: اقتصاد قرآنی: نجم، ۳۹-۴۰ ۱۰
- درس ۲: عدالت در اقتصاد: توبه، ۱۰۳ ۱۶
- درس ۳: عزت آفرینی در توانمندی اقتصادی: نساء، ۱۴۴ ۲۴
- درس ۴: اقتصاد مولد: بقره، ۲۴۵ ۳۰
- درس ۵: ابتلاء و آزمایش به واسطه اموال: بقره، ۱۸۶ ۳۶
- درس ۶: عوامل بازدارنده توسعه اقتصادی: بقره، ۱۸۸ ۴۶
- درس ۷: اعتدال اقتصادی: اسراء، ۲۹ ۵۰
- درس ۸: آرامش با قرآن: رعد، ۲۸ ۵۶
- درس ۹: آرامش و شادکامی: طه، ۱۳۱ ۶۲
- درس ۱۰: رضایت به مقدرات: حدید، ۲۲-۲۳ ۶۸
- درس ۱۱: معیار کامیابی و ناکامی: حدید، ۲۳ ۷۲
- درس ۱۲: بهره‌مندی مؤمنان از نعمت‌ها: اعراف، ۳۲ ۷۸
- درس ۱۳: علم خدا به مصلحت ما: بقره، ۲۱۶ ۸۶
- درس ۱۴: معیار زندگی مؤمنانه: بینه، ۸ ۹۲
- درس ۱۵: قرآن شفابخش مؤمنان: اسراء، ۸۲ ۹۸
- درس ۱۶: قرآن میراث الهی: فاطر، ۳۲ ۱۰۲

- درس ۱۷: قرآن کتاب راه: اسراء، ۹..... ۱۰۶
- درس ۱۸: قرآن کتاب روشنگر: نحل، ۸۹..... ۱۱۰
- درس ۱۹: قرآن اندرزنامه دل‌ها: یونس، ۵۷..... ۱۱۶
- درس ۲۰: سکوت در محضر قرآن: اعراف، ۲۰۴..... ۱۲۰
- درس ۲۱: قرآن کتاب بصیرت: جاثیه، ۲۰۴..... ۱۲۴
- درس ۲۲: روابط اجتماعی و حفظ حریم‌ها: نور، ۳۰..... ۱۲۸
- درس ۲۳: ادای حقوق دیگران: اسراء، ۲۷-۲۸..... ۱۳۴
- درس ۲۴: فرهنگ گذشت: اعراف، ۱۹۹..... ۱۴۲
- درس ۲۵: مساوات و همدلی در خیرات: مائده، ۲..... ۱۴۸
- درس ۲۶: آیین دوست‌یابی: مائده، ۲۷-۲۹..... ۱۵۴
- درس ۲۷: مراقبت از ضعیفان: ماعون، ۱-۳..... ۱۶۰
- درس ۲۸: درست سخن گفتن: اسراء، ۵۳..... ۱۶۸
- درس ۲۹: تحکیم روابط خانوادگی: اسراء، ۲۳..... ۱۷۴
- درس ۳۰: اصلاح امور خانواده: ابراهیم، ۴۰..... ۱۸۰
- درس ۳۱: خانواده، نقش‌ها و مسئولیت‌ها: تحریم، ۶..... ۱۸۶
- درس ۳۲: تربیت عبادی در خانواده: طه، ۱۳۲..... ۱۹۲

- درس ۳۳: اهمیت تشکیل خانواده: روم، ۲۱..... ۱۹۸
- درس ۳۴: تربیت نسل با ایمان: فرقان، ۷۴..... ۲۰۶
- درس ۳۵: فرزندآوری: آل عمران، ۳۸..... ۲۱۲
- درس ۳۶: تزکیه: شمس، ۷-۱۰..... ۲۲۰
- درس ۳۷: خشوع در برابر خدا: حدید، ۱۶..... ۲۲۶
- درس ۳۸: خودشناسی برای خودسازی: مائده، ۱۰۵..... ۲۳۲
- درس ۳۹: تفکر و تأمل در اعمال: حشر، ۱۸..... ۲۳۸
- درس ۴۰: راه روشن زندگی: انفال، ۲۹..... ۲۴۶
- درس ۴۱: ثمرات خودسازی: طلاق، ۲-۳..... ۲۵۲
- درس ۴۲: هدایت در بزنگاه وسوسه: اعراف، ۲۰۱..... ۲۵۶
- درس ۴۳: بهداشت و سلامت: اعراف، ۳۱..... ۲۶۲
- درس ۴۴: استفاده بجای از همه چیز: نساء، ۲۹..... ۲۶۶
- درس ۴۵: بهداشت در تغذیه: عبس، ۲۴-۲۶..... ۱۶۶
- درس ۴۶: شکرگزاری (۱): بقره، ۱۷۲، نحل، ۱۱۴..... ۲۷۶
- درس ۴۷: شکرگزاری (۲): بقره، ۶۰..... ۲۸۰
- درس ۴۸: شکرگزاری (۳): نساء، ۹۰..... ۲۸۶

۲۹۰	درس ۴۹: سلامت جسم و جان: مائده، ۹۱
۲۹۴	درس ۵۰: صبر کلید موفقیت (۱): فصلت، ۳۰
۲۹۸	درس ۵۱: صبر کلید موفقیت (۲): بقره، ۱۵۳
۳۰۲	درس ۵۲: صبر کلید موفقیت (۳): بقره، ۱۵۵
۳۰۸	درس ۵۳: صبر کلید موفقیت (۴): بقره، ۱۵۶
۳۱۲	درس ۵۴: صبر کلید موفقیت (۵): شعراء، ۶۱-۶۲
۳۱۶	درس ۵۵: صبر کلید موفقیت (۶): آل عمران، ۲۰۰
۳۲۰	درس ۵۶: صبر کلید موفقیت (۷): حشر، ۱۸
۳۲۶	درس ۵۷: سرسختی با دشمنان: فتح، ۲۹
۳۳۲	درس ۵۸: پایداری در مبارزه: احزاب، ۲۳
۳۳۶	درس ۵۹: مراقبت از تسلط دشمنان: نساء، ۱۴۱
۳۴۰	درس ۶۰: شناخت انواع دشمنان: فلق، ۱-۵
۳۴۴	درس ۶۱: امر به معروف و نهی از منکر (۱): آل عمران، ۱۰۴
۳۴۸	درس ۶۲: امر به معروف و نهی از منکر (۲): توبه، ۱۱۲
۳۵۲	درس ۶۳: امر به معروف و نهی از منکر (۳): حج، ۴۱
۳۶۰	کتابنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

ستاد راهبری طرح ملی قرآنی ۱۴۵۴

کتاب انزنه الیک مبارک لیدبرو آیاته ولیتذکر اولو الالباب

کتابی فرخنده برتوفرو فرستادیم، تا در آیات آن تدبیر کنند و خردمندان از آن پند گیرند. (ص: ۲۹)

ما بر این عقیده استوار می‌بالیم که قرآن، نور و رحمت و هدایت به سوی خیر و سعادت است و کافی‌تر و جامع‌تر از آن دستوری برای بشر نیامده و نخواهد آمد و جامعه انسانی با وجود احکام قرآن و مکتب اسلام به هیچ نظام و قانون دیگری احتیاج ندارد. شک نداریم که اگر تعالیم قرآن به اجرا درآید، نقاط ضعف و نابسامانی‌هایی که زندگی جوامع بشری را فرا گرفته، مرتفع خواهد شد و برادری و عدل و داد، جهان را فرا خواهد گرفت.

وظیفه انسانی ما اقتضا دارد به حکم حدیث شریف و متواتر:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَصِلُوا أَبَدًا»

به قرآن و عترت پیامبر ﷺ متمسک شویم. مبدأ و مقصد انجام حرکات و نهضت‌ها، اقدامات و انقلاب‌های اصلاحی را، تعالیم قرآن قرار دهیم؛ و همواره آن را نقطه شروع و نقطه پایان، مصدر هدایت و منبع جهش بدانیم و در تمام شؤون و نواحی زندگی فقط به قرآن و عترت رجوع نماییم.

سنت حسنه ۱۴۵۴ در ادامه مسیر نورانی خویش به ایستگاه سال ۹۹ خود رسیده است. امسال با توجه به شرایط ویژه آن، موضوع و شعار خاص این طرح فراگیر «قرآن، خانواده و آرامش» انتخاب گردید تا در سایه مفاهیم آیات انتخابی این طرح، آموزه‌های بی‌ظنیر قرآن کریم را در زندگی بکار گیریم. جا دارد از همه نهادها، سازمان‌ها و عزیزیانی که دست در دست رسانه ملی به اشاعه، ترویج و تبلیغ فرهنگ و معارف قرآنی در قالب طرح ۱۴۵۴ دلسوزانه خدمت کردند تقدیر و تشکر نمایم.

مجموعه حاضر قصد دارد با بیانی ساده، عالمانه و جذاب به انتقال معارف و مفاهیم آیات انتخابی طرح ملی ۱۴۵۴ و تسری آن در زندگی فردی و اجتماعی مخاطبان در اختیار علاقه‌مندان و شیفتگان قرآن کریم قرار گیرد.

در پایان از گروه قرآن و حدیث پژوهشکده بین‌المللی آفاق بالأخص مدیر پژوهشکده، حجت‌الاسلام والمسلمین حمید محمدی که در تولید این اثر نقش مؤثری داشته‌اند، کمال تشکر و سپاسگذاری را دارم.

جواد شیخ اکبری

دبیر شورای معارف

و مدیر شبکه قرآن و معارف سیما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال: ۲۴)

«دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را **زندگی** می بخشد.»

مقدمه

قرآن کریم پیام آسمانی خداوند به اهل زمین است تا روز قیامت؛ پیامی که شیوه زندگی در دنیا و چگونگی آماده شدن برای سفر ابدیت را برای انسان شرح می دهد. این شیوه نامه توسط کسی تنظیم شده که هم سازنده انسان است و از همه ظرفیت ها و ظرافت های وجودش به خوبی آگاه است، و هم آفریننده سایر موجودات عالم هستی است و هم به ریزترین و دقیق ترین روابط میان پدیده های عالم به خوبی اشراف و آگاهی دارد. از این رو سلوک براساس این دستورالعمل آسمانی انسان را به سوی سعادت ابدی سوق می دهد.

در سال حاضر برای چهاردهمین سال متوالی شاهد اجرای طرح ملی قرآنی دیگری با عنوان **طرح ملی قرآنی ۱۴۵۴** هستیم که به مناسبت گذشت هزار و چهارصد و پنجاه و چهار سال از نزول قرآن کریم بدین نام موسوم گشته است. نوشتار پیش رو گزیده ای از آیات قرآن کریم است که برای اجرا در این طرح توسط پژوهشکده بین المللی آفاق با عنوان «**قرآن، خانواده و آرامش**» تهیه و تنظیم شده و سعی بر آن دارد تا ارتباط خواننده را با فرازهایی از این کتاب آسمانی برقرار کرده و رهنمودهایی از این شیوه نامه سعادت را با زبانی ساده، به وی ارائه نماید.

۸

آیات منتخب

با تأکید بر

قرآن
خانواده
الامتن

مقدمه

در این نگاه ۶۳ مقطع از قرآن کریم در ۹ فصل مجزاً با محتوای:

۱. اقتصاد ۲. آیات آرامش، رضایت و شادکامی ۳. قرآن، کتاب زندگی
۴. آیات روابط اجتماعی ۵. آیات خانواده ۶. آیات خودشناسی و خودسازی
۷. آیات بهداشت و سلامت ۸. صبر ۹. آیات دشمن‌شناسی»

تنظیم شده است. هر فصل از فصول نامبرده، هفت فراز از قرآن کریم را در زیر مجموعه خود دارد و در هر فراز، گام‌های ذیل پیموده شده است:

۱. ارائه آیه یا آیات قرآنی

۲. ارائه ترجمه روان

۳. بیان ریز موضوع مرتبط

۴. ذکر نکات و پیام‌های کاربردی

لازم به ذکر است که تعیین موضوعات و گزینش آیات بر عهده گروه علمی ستاد ملی طرح ۱۴۵۴ بوده است.

امید آنکه این کمترین تلاش، مقبول درگاه ایزد منان واقع شده، زمینه‌آشنایی هرچه بیشتر خوانندگان با این صحیفه نورانی را فراهم ساخته و تلنگری برای عمل به دستورهای حکیمانه آن باشد.

در پایان جا دارد از کلیه دستگاه‌ها و نهادهای عضو ستاد ۱۴۵۴، ریاست محترم شبکه قرآن و معارف سیما و نیز ریاست محترم رادیو قرآن کمال تشکر را داشته باشیم و خداوند را شاکریم که توفیق تولید آثار قرآنی برجسته به خصوص تولید منابع آموزشی تفسیر کاربردی آیات و سوره‌های منتخب «در طرح ۱۴۵۱»، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴ را به محققان این پژوهشکده کرامت فرمود.

رئیس پژوهشکده بین‌المللی آفاق

حمید محمدی / ۱۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ - عید قربان

۹

آیات منتخب

با تأکید بر

قرآن
خانواده
از مسئولین

مقدمه

اقتصاد قرآنی

آیه

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿٣٩﴾
وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ﴿٤٠﴾

(سوره نجم)

ترجمه

«و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.
و [نتیجه] کوشش او به زودی ارائه خواهد شد.»

موضوع

- ارزش کار و تلاش و نکوهش بیکاری
- اقتصاد قرآنی مقدمه‌ای بر آرامش بخشی جامعه سالم

● سفره تلاش

مطابق این دو آیه، هرکس سرسفره تلاش و کوشش خود خواهد نشست؛ فرصت زندگی دنیوی به سان زمین کشاورزی است که هر چه در آن بکاریم، در دنیا و آخرت همان را درو خواهیم کرد. از رسول خدا ﷺ روایت شده است:

«الدُّنْيَا مَرْعَى الْأَخِرَةِ»^۱

(دنیا کشت زار آخرت است.)

و در ضرب المثل معروف آمده است:

«از مکافات عمل غافل مشو، گندم از گندم بروید جوز جو».

● جایگاه تلاش در هستی

عالم هستی، میدان تلاش و کار و نتیجه گیری است: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ پس کسی که در زندگی خود اهل سعی و کوشش نیست، برخلاف جریان آب در حال شنا کردن است و روشن است که چنین شناگری راه به جایی نخواهد برد.

● وظیفه، سعی نه نتیجه

مطابق آیات سوره نجم، وظیفه ما سعی و تلاش است: «إِلَّا مَا سَعَى»؛ همان رهنمودی که امام راحل ره همواره بر آن تأکید می کرد و می فرمود:

«همه ما مأمور به تکلیف و وظیفه ایم نه مأمور به نتیجه».^۲

سدیر صیرفی می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: وظیفه انسان در طلب رزق و روزی تا چه اندازه است؟ حضرت فرمودند:

«إِذَا فَتَحْتَ بَابَكَ وَ بَسَطْتَ بِسَاطِكَ فَقَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ».^۳

۱. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۵-۲۸۴.

۳. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۵، ص ۷۹.

همین که در مغازه‌ات را باز کنی و بساط کسب و کار خود را پهن کنی،

وظیفه‌ات را انجام داده‌ای.)

پس تنها وظیفه ما سعی است و سعی هم به نیت و عمل است نه نتیجه؛ به همین دلیل، وقتی کسی به نیت نماز جماعت تا در مسجد می‌رود، به ثواب جماعت می‌رسد، گرچه ببیند در مسجد بسته است و نیز وقتی به کسی که ادعای فقر می‌کند، بخششی می‌کند، به ثواب انفاق نائل می‌شود، گرچه آن شخص دروغ گفته باشد.^۱

• اقتصاد دینی

خمودی، کسالت و تنبلی میان تمام عقلای عالم، امری ناپسند و مذموم است. قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز همواره بر لزوم سعی، تلاش و کوشش در زندگی دنیوی و تحصیل سعادت آخروی تأکید دارند. مقام معظم رهبری علیه‌السلام با تکیه بر شواهدی از روایات و احادیث در بیان اهمیت و ارزش کار در اسلام می‌فرمایند:

«پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دست صحابی را دید زمخت و پینه بسته است؛ گفت: چرا دستت این

طور است؟ گفت: یا رسول الله! من با این دست کار می‌کنم. پیغمبر این دست را

گرفت و بوسید و فرمود: «هَذِهِ يَدٌ لَا تَمْسُهُ النَّارُ»؛ آتش، این دست را لمس نمی‌کند.

عمل صالح بالاتر از این؟!... نفس کار ارزش دارد؛ غیر از اینکه «کار» وسیله اعاشه و

درآمد زندگی است؛ که آن هم به جای خود مطلب مهم و عبادت دیگری است.»^۲

اقتصاد در فرهنگ قرآن و روایات، اقتصادی مبتنی بر کار و تلاش و دور از حرص و ولع

است؛ چنین اقتصادی است که آسایش و آرامش را برای جامعه به دنبال خواهد داشت؛

زیرا حرص در کسب درآمد نه تنها موجب تضییع حقوق دیگران بلکه موجب سلب

آسایش از خود انسان و به تبع خانواده و جامعه خواهد شد؛ از این رو در فرهنگ دینی:

۱. گرچه روزی هر کس مقدر دانسته شده، ولی برای کسب این روزی قسمت شده باید

۱۲

آیات منتخب

با تفسیر بر



درس اول

۱. تفسیر معنوی، جزء ۲۷، ص ۷۰.

۲. بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۲/۶، بازیابی شده در تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ به آدرس:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۳۳۷>

قدم برداشت؛ درست مثل اینکه منزل همسایه برای شما غذایی پخته باشند، ولی خودتان باید مراجعه کنید و آن را تحویل بگیرید؛ از این رودین همواره به کار و تلاش تشویق و از بیکاری و بطالت نهی کرده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: کسی که در خانه نشسته و از خدا روزی طلب می‌کند، دعایش مستجاب نمی‌شود.^۱

هرگاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از کسی خوشش می‌آمد، فوراً سؤال می‌کرد: آیا شغل و حرفه‌ای دارد؟ اگر پاسخ منفی می‌شنید، می‌فرمود: از چشمم افتاد!^۲ این توصیه دینی در قالب ضرب‌المثل معروف «از تو حرکت از خدا برکت» نیز تبلور یافته است. البته باید توجه داشت که در کنار روزی مقدر برای هر کس، خداوند متعال بخشش‌های دیگری دارد که از آن به «فضل» یاد می‌شود و جز با تلاش و دعا نصیب کسی نمی‌شود. فضل الهی مانند غذای سرریزی است که هر کس از صاحب‌خانه درخواست کند، علاوه بر سهمیه داخل بشقابش به او داده می‌شود.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«إِنَّ الرِّزْقَ لَيُنزَلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ عَلَى عَدَدِ قَطْرِ الْمَطَرِ، إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّرَ هَهَا وَ لَكِنَّ لِلَّهِ فَضُولٌ فَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ».^۳

(همانا روزی از آسمان به زمین به تعداد قطرات باران نازل می‌شود و به هر کس به اندازه‌ای که برایش مقدر شده می‌رسد؛ لکن خداوند متعال اضافه بر آن روزی‌هایی دارد؛ پس آن روزی‌ها را از خداوند طلب کنید.)

۲. اهمیت کار و تلاش تا آنجا دانسته شده که اگر انسان نیاز مالی هم نداشته باشد، باید همچنان به کسب و کار پردازد؛ روایت شده یکی از اصحاب خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام رسید. امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: چرا کسب و کار را تعطیل کرده‌ای؟ عرض کرد:

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۶۷: «إِنَّ أَصْنَافاً مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَاؤُهُمْ... رَجُلٌ يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ وَ يَقُولُ: رَبِّ ارزُقْنِي وَ لَا تَخْرُجْ وَ لَا يَطْلُبُ الرِّزْقَ.»
۲. جامع الأخبار (للسعيري)، ص ۱۳۹: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا نَظَرَ الرَّجُلَ فَأَعْجَبَهُ قَالَ: هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ فَإِنْ قَالَ: لَا قَالَ: سَقَطَ مِنْ عَيْنِي. قِيلَ: وَ كَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعْيشُ بِبَيْتِهِ.»
۳. قرب الإسناد (ط - الحديثة)، ص ۱۱۷.

مال فراوانی گرد آورده‌ام که تا وقتی زنده‌ام مرا کفایت می‌کند. حضرت فرمودند:
کسب و کار را ترک مکن که عقلت به سستی می‌گراید. براهل و عیالت هم روزی را
 وسعت بده تا دوستدارت گردند و جایی از تو بدگویی نکنند.^۱

۳. با کسب درآمد بدون تلاش و فعالیت اقتصادی مبارزه جدی صورت گرفته است؛
 از این رو **اقتصاد ربوی و کسب مبتنی بر قمار** در دین اسلام ممنوع اعلام شده و از
 دلالتی و واسطه‌گری بدون هیچ تلاش و فعالیتی نیز نهی شده است. وقتی از امام
صادق (ع) پرسیده شد: مردی خانه‌ای را اجاره می‌کند و سپس شخص دیگری آن
 خانه را به قیمتی بالاتر از او اجاره می‌گیرد، فرمود: درست نیست، مگر آنکه تغییری
 در آن خانه ایجاد کند.^۲

۴. از حرص و طمع در کسب درآمد نهی شده است؛ شخصی خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید
 و از آن حضرت تقاضای موعظه‌ای کرد. حضرت در ضمن چند موعظه
 فرمودند:

«إِنْ كَانَ الرِّزْقُ مَقْسُومًا فَالْحِرْصُ لِمَا ذَا؟!»^۳

(حال که خداوند متعال روزی را تقسیم کرده است، چرا باید حرص زد؟!)

دانش‌آموزان مدرسه وقتی با مینی‌بوس قرار است به اردوی تفریحی بروند، همه
 حرص می‌زنند زودتر بالا بروند تا بهترین صندلی‌ها را برای خود و دوستانشان
 بگیرند و این رویه معمولاً به نزاع و درگیری و دل‌خوری منجر می‌شود؛ ولی اگر دقت
 کرده باشید، مسافران هواپیما چنین حرص و ولعی ندارند؛ چون شماره صندلی
 هرکس در بلیت‌ش ثبت شده و کسی نمی‌تواند جای دیگری را اشغال کند؛ انسان
 هم اگر به درستی بداند، روزی هرکس تقدیر شده و کسی روزی دیگری را نمی‌خورد،

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۴: «عَنْ مُعَاذِ بْنِ بَعَّازٍ الْأَكْسَبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): يَا مُعَاذُ أَصْغَفْتُ عَنِ التَّجَارَةِ أَوْ زَهَدْتُ فِيهَا؟ قُلْتُ: مَا صَغَفْتُ عَنْهَا وَلَا زَهَدْتُ فِيهَا. قَالَ: فَمَا لَكَ؟ قُلْتُ: كُنَّا نَنْتَظِرُ أَمْرًا وَ ذَلِكَ حِينَ قُبِلَ الْوَلِيدُ وَ عِنْدِي مَالٌ كَثِيرٌ وَ هُوَ فِي يَدِي وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ عَلَيَّ شَيْءٌ وَ لَا أَرَايَ أَكُلُهُ حَتَّى أَمُوتَ. فَقَالَ: لَا تَتْرُكْهَا فَإِنَّ تَرْكَهَا مَذْهَبَةٌ لِيَعْقَلُ، اشْحَ عَلَى عِيَالِكَ وَ إِتَاكَ أَنْ يَكُونُوا هُمْ السَّعَاةَ عَلَيْكَ.»

۲. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۵، ص ۲۷۳.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۳.

از حرص و ولع در کسب درآمد و خود را به آب و آتش زدن خودداری می‌کند.

بر سر هر لقمه بنوشته عیان کز فلان بنِ فلان بنِ فلان
هین توکل کن، مَلَرزان پا و دست رزقِ تو، بر تو، ز تو عاشق تراست
بر سر هر لقمه بنوشته خدا این نصیب است بر فلان شه یا گدا

۵. **کسب درآمد هدف نیست** و ابزاری برای عبور از گذرگاه دنیاست؛ از این رواج دست و پا زدن و تلاش بیش از حد برای کسب درآمد نهی و به اقتصاد و میانه‌روی در طلب روزی توصیه شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«... فَإِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ نَفَثَ فِي رُوعِي أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمِلَ رِزْقَهَا فَأَجْمَلُوا فِي الظَّلْبِ وَلَا يَحْمِلَنَّكُمْ اشْتِبَاطُ شَيْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ تَطْلُبُوا مَا عِنْدَ اللَّهِ بِمَعَاصِيهِ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ»^۱

(بدانید روح الامین (جبرئیل) بردل من الهام کرد که: «هرگز بنده‌ای نمیرد مگر اینکه تمام روزی خود را دریافت دارد»، پس در طلب روزی زیاده‌روی نکنید و **دیر رسیدن روزی شما را وادار نکند سهم خود را نزد خدا از راه حرام جویید**؛ زیرا آنچه نزد اوست فقط از راه فرمانبری به دست آید.)

۱. تحف العقول، ص ۴۰.

عدالت در اقتصاد

آیه

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ
صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾

(سوره توبه)

ترجمه

«از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاک می‌کنی و آنان را رشد و تکامل می‌دهی و [به هنگام دریافت زکات] بر آنان دعا کن؛ زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنان است و خدا شنوا و داناست. (۱۰۳)»

موضوع

- آرامش و رشدخواهی با طهارت
- تزکیه مالی به واسطه پرداخت زکات

نکات و اشارات

این آیه در ماه رمضان سال دّوم هجری در مدینه نازل شد و پیامبر ﷺ دستور داد ندا دهند خداوند، زکات را نیز همچون نماز واجب ساخت. پس از يك سال نیز فرمان داد مسلمانان زکاتشان را بپردازند.^۱

• مراد از صدقه

گرچه واژه «صدقه» یک عنوان عام برای همه بخشش‌های مالی و احسان غیرمالی است،^۲ در این آیه شریف با توجه به روایات منظور از صدقه، «زکات واجب مالی» است؛ به همین دلیل در روایات از این آیه با عنوان «آیه زکات» نام برده شده است.^۳

• وجوب زکات

زکات یکی از واجبات دینی است و از ارکان دین اسلام محسوب می‌شود. امام باقر علیه السلام فرمود:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ».^۴

(اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.)

البته زکات به همه کس و همه چیز تعلق نمی‌گیرد؛ پرداخت زکات بردارندگان **نه چیز** لازم است: گندم، جو، شتر، گاو، گوسفند، خرما، کشکمش، طلا و نقره. وجوب زکات در این موارد شرایطی دارد که بدون فراهم بودن آن شرایط، پرداخت زکات واجب نیست.^۵

اهمیت پرداخت زکات به اندازه‌ای است که **رسول خدا ﷺ** پنج نفر را که برای نماز به مسجد آمده بودند، به علت نپرداختن زکات، از مسجد بیرون کرد. امام باقر علیه السلام فرمود:

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۴۹۷.

۲. تلقی ما از صدقه تلقی کاملی نیست. اغلب ما صدقه را دادن مبلغی ولو ناچیز می‌دانیم و تصور می‌کنیم مراد از صدقه همین است؛ در حالی که این یکی از مصادیق صدقه است و صدقه منحصر در این نیست. صدقه به هر کار نیکی گفته می‌شود چه کمک مالی باشد و چه غیر مالی. حتی رد کردن ناپینایی از عرض خیابان و رساندن مسافر در راه مانده‌ای به مقصد یا کمک به مظلومی برای احقاق حقش نوعی صدقه است.

۳. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۴۹۷.

۴. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۳.

۵. برای اطلاع از شرایط وجوب زکات به رساله عملیه مراجع معظّم تقلید (دامت برکاتهم) مراجعه کنید.



«بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ قَالَ: قُمْ يَا فُلَانُ قُمْ يَا فُلَانُ قُمْ يَا فُلَانُ! حَتَّى أُخْرِجَ حَمْسَةَ نَفَرٍ. فَقَالَ: أُخْرِجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا لَا تُصَلُّوا فِيهِ وَأَنْتُمْ لَا تُزَكُّونَ»^۱

(روزی در مسجد، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: بلند شوای فلانی، بلند شوای فلانی و تا پنج نفر را [از بین جماعت] بیرون آورد، سپس فرمود: از مسجد ما خارج شوید و تا وقتی زکات نمی‌پردازید در آن نماز نخوانید.)

• زکات موجب فقرزدایی و تحقق عدالت اقتصادی

یکی از مسائل مهم جامعه، وجود فقر و یکی از راه‌های مبارزه با آن، پرداخت زکات و انفاق است. هدف اسلام از تشریح زکات، **کم کردن فاصله بین فقرا و اغنیاست**. با بررسی آثار پرداخت زکات در بُعد اجتماعی به این نتیجه می‌رسیم که زکات، علاوه بر اینکه فقرا را از گوشه‌گیری، بدبینی، ناامیدی و حس حقارت دور می‌کند، موجب برادری و دوستی بین مسلمین شده، به واسطه حل مشکلات فقرا، بخشی از مفاسد اجتماعی را که برخاسته از فقر حاکم بر جامعه است نیز از بین می‌برد.

به فرموده **امام صادق (ع)** اگر همه زکات مالشان را پرداخت می‌کردند، فقرای جامعه هم زندگی خوبی پیدا می‌کردند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسْعُهُمْ وَلَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَسْعُهُمْ لَرَأَاهُمْ إِيَّاهُمْ لَمْ يُؤْتُوا مِنْ قَبْلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَكِنْ أُوتُوا مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ آدَوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِحَيْرٍ»^۲

(همانا خداوند عزوجل به اندازه نیاز فقرا در اموال اغنیا برایشان سهمی قرار داده و اگر می‌دانست که این مقدار برایشان کافی نیست، قطعاً مقدار بیشتری واجب می‌کرد. پس نابسامانی وضع فقرا، نه به دلیل کم بودن سهم تعیین شده، بلکه به دلیل این است که اغنیا سهم آنها را نمی‌پردازند؛ چه اینکه اگر می‌پرداختند، فقرا هم زندگی خوبی می‌داشتند.)
صرف نظر از اینکه زکات دورکننده فقر از جامعه اسلامی است، مفاسدی را که

۱۸

آیات منتخب

با تفسیر بر



درس دوم

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۵۰۳.

۲. وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۹.

گریبانگیر جامعه است نیز کاهش می دهد؛ چرا که هم ازدیاد سرمایه، زمینه ساز فساد است و هم فقر ممکن است زمینه مفاسد اجتماعی مثل وقوع سرقت، دریافت رشوه و خیانت را فراهم آورد که زکات، از راه های تعدیل کننده ثروت و از بین برنده بسیاری از مفاسد می باشد.

با این توضیح، کسانی که در پرداخت زکات و سایر حقوق مالی نیازمندان کوتاهی می کنند، در مشکلات و نابسامانی هایی که فقرا در آن به سر می برند و نیز در بزه کاری هایی که ناشی از فقر آنهاست، به اندازه خود مقصّر و سهیم اند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِبَارًا لِلْأَغْنِيَاءِ وَمَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَلِوَأَنَّ النَّاسَ آدَوُا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمًا فَقِيرًا مُحْتَاجًا وَلَا سْتَعْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ وَإِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا اِحْتَاؤُوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَرُوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ»^۱.

(زکات به منظور آزمودن توانگران و کمک به مستمندان وضع شده است. اگر مردم زکات اموال خود را می پرداختند، هیچ مسلمانی، فقیر و نیازمند نمی ماند و به سبب آنچه خداوند عزوجل برای او واجب کرده است، بی نیاز می شد. مردم، فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نشدند، مگر به سبب گناهان ثروتمندان.)

• قبولی نماز اثر پرداخت زکات

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از نزول همین آیه، دستور داد منادی در کوی و برزن، ندا داده، بگوید:

«أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلُ صَلَوَاتُكُمْ»^۲.

(ای مسلمانان! زکات اموالتان را بپردازید، تا نمازتان مقبول درگاه الهی واقع شود.)

نیز فرمودند:

«فَإِنَّ بَخْلَ بَرَكَاتِهِ وَلَمْ يُؤَدِّهَا أَمْرًا بِالصَّلَاةِ فَرُدَّتْ إِلَيْهِ وَلَقَدْ كَمَا يُلْقَفُ



۱. همان، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۹.

التَّوْبُ الْخُلُقُ ثُمَّ يُضْرَبُ بِهَا وَجْهُهُ»^۱.

کسی که در پرداخت زکات بخل ورزد و آن را ادا نکند، به نمازش امر شده و به او برگردانده می شود و مانند لباس کهنه، پیچیده و به صورتش زده می شود.
به همین دلیل، اغلب در قرآن کریم، دستور به پرداخت زکات در کنار دستور به اقامه نماز آمده است:^۲

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره: ۴۳)

• دفع بلا از امت اثر پرداخت زکات

یکی از آثار اجتماعی زکات، **دفع انواع بلا و خطر از امت** است و شاید بتوان بعضی از بلاها را ناشی از عدم توجه به این واجب الهی دانست؛ امام صادق علیه السلام فرمود:
«إِنَّ اللَّهَ لَيُدْفَعُ لِمَنْ يُرِيكِي مِنْ شَيْعَتِنَا عَمَّنْ لَا يُرِيكِي وَلَوْ أَجْمَعُوا عَلَى تَرْكِ الزَّكَاةِ لَهَلَكُوا»^۳.
(قطعاً خداوند به خاطر کسانی از شیعیان ما که زکات می دهند، [انواع بلا و خطر را] از سایرین دفع می کند و اگر همه پرداخت زکات را ترک می کردند، نابود می شدند).
نیز فرمودند:

«أُقْسِمُ بِالَّذِي خَلَقَ الْخُلُقَ وَبَسَطَ الرِّزْقَ أَنَّهُ مَا صَاعَ مَالٍ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بَتَرَكَ الزَّكَاةَ»^۴.

(قسم به خدایی که مخلوقات را آفرید و روزی ایشان را بینشان پراکنده ساخت، حقیقت این است که هیچ مالی در دریا و خشکی تلف نمی شود مگر به دلیل ترک زکات.)

۲۰

• تقویت بنیه دینی مردم با پرداخت زکات

مصرف زکات، در رسیدگی به فقرا خلاصه نمی شود؛ بلکه در کلیه اموری که به نوعی موجب **تقویت بنیه های دینی** دوست داران **اهل بیت** علیهم السلام می گردد نیز می تواند مصرف شود؛ مانند ساخت مسجد، مدرسه، کتابخانه، انجام تبلیغات و فعالیت های دینی و

آیات منتخب

با تاکید بر



درس دوم

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، ص ۱۶۳.

۲. در ۲۴ آیه از قرآن کریم پرداخت زکات در کنار اقامه ذکر شده است.

۳. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۴۵۱.

۴. وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۲.

اصلاح و آشتی بین مسلمین؛ امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

«إِنَّ عَلَةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوْتِ الْفُقَرَاءِ... وَالْمُعَوْنَةَ هُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ»^۱.

(دلیل پرداخت زکات، قوت فقرا،... و کمک رسانی به آنان در امور دینی [آنها] است.)

• نپرداختن زکات و کمبود و قحطی و بی برکتی

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«إِذَا مُنِعَتِ الزَّكَاةُ مُنِعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا»^۲.

(هرگاه زکات پرداخت نشود، زمین از برکاتش بازداشته می شود.)

نیز فرمودند:

«لَا تَزَالُ أُمَّتِي يَخِيرُ مَا مَحَابُؤًا... وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ

فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ انْبَثَلُوا بِالْقَحْطِ وَالسِّنِينِ»^۳.

(امت من تا مادامی که یکدیگر را دوست بدانند... و نماز را به پا دارند و زکات را بپردازند،

در خیر و سعادت به سر می برند؛ ولی اگر اینها را انجام ندهند،

گرفتار قحطی و خشکسالی می شوند.)

• هزینه شدن مال زکات داده نشده در راه باطل

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْعُقُ دَرَاهِمًا فِي حَقِّهِ إِلَّا أَنْفَقَ اثْنَيْنِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ»^۴.

(کسی که مال خود را در راه حقش [و اطاعت خدا] صرف نکند،

دو برابر آن را در راه معصیت خداوند هزینه می کند.)

کسی که حقوق واجب مالی خود را نمی پردازد، به خیال خام خود اموالش را ذخیره کرده؛ ولی خداوند متعال حوادث روزگار را طوری می چیند، که دو برابر حقوق پرداخت نشده را در راهی باطل صرف کند، تا علاوه بر عقوبت نپرداختن زکات، و زرو

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۵۵.

۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۵۱.

۴. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۵۰۴.



وَبال آن مصرف باطل نیز در قیامت برگردنش باشد.

• عذاب دردناک در انتظار مانعان زکات

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ریختن خون کسی که زکات نمی‌پردازد حلال است؛ ولی کسی جز امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام حقی اجرای آن را ندارد؛ وقتی آن حضرت ظهور کند، گردن مانع زکات را می‌زند.^۱

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«مَا مِنْ عَبْدٍ مَنَعَ مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ شَيْئاً إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُعْبَانَا مِنْ نَارٍ يُطَوَّقُ فِي عُنُقِهِ يَنْهَشُ مِنْ لَحْمِهِ حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الْحِسَابِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ:
«سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲.

(بنده‌ای نیست که زکات مالش را نپردازد، مگر آنکه در روز قیامت خداوند آن زکات را [که برعهده اوست] به صورت مار بزرگ آتشی در آورده و به گردنش انداخته می‌شود و آن مار آتشین به گزیدن گوشت او می‌پردازد تا خداوند از کار حساب [بندگان خود] فراغت یابد و این است معنی کلام خداوند عزیز و جلیل که می‌فرماید: «به زودی در روز قیامت آنچه در بخشیدنش بخل می‌ورزیدند، همانند طوقی به گردنشان می‌افکنند.») گنج را از دل برون کن مال را بفرکن ز چشم مال تو مارست در معنا و گنجت اژدها

• مانع زکات در زمره کفار

مطابق روایات، کسی که در پرداخت زکات کوتاهی می‌کند، هنگام مرگ، مسلمان از دنیا نمی‌رود. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«مَنْ مَنَعَ قَيْرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا»^۳.
(کسی که به مقدار قیراطی (یک پنجم گرم) از زکات راندهد، پس باید به دین یهودی یا دین نصارا بمیرد.)

۲۲

آیات منتخب

با تائید بر

قُرْآن
شَاطِر
خَانِزَانِ
الْمَشْرِقِ

درس دوم

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۸۷.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۵۰۴.

۳. همان.

کسی که آبا و اجدادش همه مسلمان بوده‌اند و در خانواده‌ای مسلمان به دنیا آمده و عمری را در دین اسلام سپری کرده، متأسفانه لحظات آخر زندگی به دلیل نپرداختن زکات از مسیر منحرف شده، به دین کفار می‌میرد.

• آثار اخروی پرداخت زکات

رسول خدا ﷺ در بیان یکی از آثار اخروی پرداخت زکات فرمود:

«فَإِنَّ مَنْ أَعْطَى زَكَاةً مَالِهِ طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ حَبَّةٍ مِنْهَا قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ ذَهَبٍ وَقَصْرًا مِنْ فِضَّةٍ»^۱.

(هر کس زکات مال خود را با طیب نفس بپردازد، خداوند در مقابل هردانه [گندم و جو و... که بابت زکات پرداخته] قصری از طلا در بهشت و قصری از نقره به او عطا می‌فرماید.)

البته برای رسیدن به چنین پاداشی، پرداخت زکات باید با رضایت قلبی و طیب خاطر باشد (طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ) نه با اکراه و اجبار و خساست درونی.

• سخن پایانی

گاه مشاهده می‌شود، پدر خانواده از پرداخت حقوق مالی نیازمندان اعم از خمس و زکات و کفارات خودداری می‌کند؛ این خودداری یا ناشی از جهل به وظیفه شرعی است یا ناشی از استکبار و سرکشی از وظایف شرعی؛ در هر دو صورت اعضای خانواده در درجه اول و دیگران در درجه بعد، باید در وهله اول در تبیین مسئله بکوشند و در وهله دوم از باب امر به معروف و نهی از منکر اقدام کنند.

بعضی از خانم‌ها می‌گویند هرچه به شوهرمان می‌گوییم: زکات بده! خمس بده! گوش نمی‌دهد. در پاسخ به این دسته از خانم‌ها باید گفت: گفتن داریم تا گفتن! وقتی می‌خواهید شوهرتان فرش‌ها یا دکوراسیون منزل را عوض کند، چطور و با چه زبانی او را قانع می‌کنید، دقیقاً به همان صورت و با همان زبان باید درباره پرداخت وجوهات شرعی با شوهرتان صحبت کنید تا قانع شود!

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ص ۱.



آیه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُنثِرِدُونَ
أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿١٤٤﴾

(سوره نساء)

ترجمه

«ای اهل ایمان! کافران را به جای مؤمنان، سرپرست و یار خود
مگیرید. آیا می خواهید برای خدا برضد خودتان دلیلی آشکار
[نسبت به عذابتان در دنیا و آخرت] قرار دهید؟!»

موضوع

- نفی تسلط اقتصادی دشمنان
- استقلال اقتصادی و عزت آفرینی

• معنای ولی

کلمه «اولیاء» جمع کلمه «ولی» و از ماده «ولایت» است و ولایت در اصل به معنای مالکیت تدبیر امر است؛ مثلاً ولی صغیر یا مجنون یا سفیه، کسی است که سرپرست و مالک تدبیر امور و اموال آنان باشد، که خود آنان مالک اموال خویش اند، ولی تدبیر امر اموال شان به دست ولی شان است.

این معنای اصلی کلمه ولایت است؛ ولی ولایت در مورد محبت و دوست داشتن نیز استعمال شده و به تدریج نیز استعمالش زیاد شد. استعمال ولایت به معنای محبت و دوستی به این مناسبت بود که ولایت به معنای سرپرستی امور است و این سرپرستی و تدبیر امور از نوعی محبت میان ولی و مؤلّی علیه ناشی می شود یا به ایجاد نوعی محبت منجر می گردد.^۱

• پذیرش ولایت کفار

در این آیه از دوستی با کافران و کنار نهادن مؤمنین در روابط خود، به شدت نهی شده است؛ زیرا این نوع دوست دو اثر نامطلوب دارد:

اول: آنجا که نفس انسانی خوپذیر است، این رابطه کم کم انسان را دچار امتزاج روحی کرده، موجب می شود در مقابل آنها رام و از اخلاق و سایر شئون زندگی آنان متأثر شویم؛^۲ اینجاست که پس از مدتی می بینیم از سرتا پا خود را باخته و شبیه آنها شده ایم و این همان «خودباختگی فرهنگی» است. خودباختگی عناصر جبهه خودی، در مقابل شخصیت‌های جبهه دشمن از عناصر انحطاط یک جامعه است که در کلمات مقام معظم رهبری علیه السلام بارها مورد تأکید قرار گرفته است.^۳

۱. ر.ک: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۳۶.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور ۲۲/ ۴/ ۱۳۷۳.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۲۸۹۳>



چنین است که امروزه در جامعه ایرانی یک مفهوم و برداشت نادرست شکل گرفته که هرآنچه از خارج بیاید قطعاً از محصولات داخل ما برتر است؛ از این رو ما ایرانی‌ها عمیقاً دچار یک خودباختگی فرهنگی در مقابل فرهنگ و کالای غربی هستیم که این بیماری شهری، روستایی، باسواد یا بی‌سواد هم ندارد. مقام معظم رهبری علیه السلام در سال ۱۳۸۴ فرمودند:

«همه‌ی ما از بچگی این طور بار آمده بودیم که جنس ایرانی مساوی است با بد بودن، پست بودن و نامرغوب بودن؛ ایرانی مساوی است با ناتوانی در تولید جنس خوب در همه‌ی زمینه‌ها. اصلاً این فرهنگ را در ذهن ملت ما نهادینه کرده بودند. این در حالی است که این موضوع ۱۸۰ درجه با واقعیت فرق دارد. این ملت، ملتی است که از همه جهت می‌تواند؛ می‌تواند تولید کند، می‌تواند رشد بدهد، می‌تواند ابتکار کند، می‌تواند مرزهای علم و فناوری را بشکند و جلو برود.»^۱

دوم: این وادادگی و دل‌باختگی کم کم به نوعی تسلط منجر شده، به طوری که سرپرستی امور خود را نیز به آنان واگذار خواهیم کرد؛ چنین جامعه‌ای به جای نگاه به داخل و تکیه بر توانمندی‌های داخلی برای حل مشکلات خود، همواره چشم به بیرون از مرزهای دولت اسلامی دوخته، جبهه دشمن را منجی خود می‌داند.

بدین دلیل است که در آیات متعددی از **ارتباط یکسره با کفار و کنار نهادن عناصر مؤمن در امور جامعه** به شدت نهی شده است؛ به عنوان نمونه خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره آل عمران می‌فرماید:

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً»

(مؤمنان نباید کافران را به جای اهل ایمان، سرپرست و دوست بگیرند و هر کس چنین کند در هیچ پیوند و رابطه‌ای با خدا نیست، مگر آنکه بخواهید [به سبب دفع خطری که متوجه شماست] از آنان تقیه کنید.)

۱. بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۳۱/ ۶/ ۱۳۸۴.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۰۹>

• هدف از رابطه

در آیه ۱۳۹ سوره نساء هدف از ارتباط دوستانه با کفار توسط برخی عناصر موجود در جامعه اسلامی، رسیدن به **عزت و سربلندی** بیان شده است، در حالی که عزت و اقتدار واقعی تنها در ارتباط به خداوند متعال و تکیه به اوست:

«الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»

امروزه غرب‌گرایان موجود در جامعه، که فرهنگ غربی را کعبه آمال خود و دشمنان غربی را یگانه مَنجی در مشکلات خود می‌دانند، باید بدانند دژ مستحکمی که در ذهن خود از غربی‌های ساخته‌اند، چیزی جز لانه سست عنکبوت نیست:

«مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ

الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^۱

(داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده‌اند، همچون داستان عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه‌ای برای خویش ساخته و در حقیقت - اگر می‌دانستند - سست‌ترین خانه‌ها همان خانه عنکبوت است.)

• رابطه آری ولی تسلط نه

از دیدگاه قرآن و روایات، هر نوع ارتباط اعم از تجاری و غیرتجاری، با کفار و دشمنان مادامی مجاز است که به **خودباختگی و تسلط دشمن** بر جامعه اسلامی منجر نگردد:

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۲

(و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.)

معمار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی ره در تبیین این اصل اساسی قرآنی فرمودند:

«قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیر مسلم بر مسلم قرار

نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی

یک راه نباید پیدا بکند: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» اصلاً راه نباید

۱. عنکبوت: ۴۱.

۲. نساء: ۱۴۱.



داشته باشند مشرکین و این قدرت‌های فاسده راه نباید داشته باشند بر مسلمین.»^۱ و با توجه به همین اندیشه قرآنی به قضیه واگذاری قضاوت کنسولی به اتباع امریکا در ایران (قانون کاپیتولاسیون) اعتراض کرده، انقلاب اسلامی ایران را کلید زدند^۲ و در سخنی دیگر آن دسته از مسئولان مسلمان نیز که به نفع کفار کار می‌کنند و راه تسلط کفار بر مسلمانان را هموار می‌نمایند، خائن دانسته، فرمودند:

«هر کس در هر مقامی و به هر صورتی اجازه دخالت اجانب را در وطن عزیز ما، چه با صراحت و چه به وسیله طرح‌هایی که لازمه‌اش ادامه تسلط اجنبی یا ایجاد تسلط تازه‌ای باشد بدهد، خائن به اسلام و کشور است و احتراز از او لازم است.»^۳

• اقتصاد کلید سیطره بر جامعه

یکی از ابزارهای دشمن برای به دست گرفتن نبض جامعه اسلامی تسلط اقتصادی بر جامعه اسلامی است؛ از این رو مسئولان جامعه و تک‌تک اعضای جامعه اسلامی باید بر استقلال اقتصادی خویش از دشمن اصرار و پافشاری کنند. مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی فرمودند:

«اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است.»^۴

حمایت از کالای ایرانی، در درجه اول توسط مسئولان جامعه و در درجه بعد توسط مصرف‌کنندگان داخلی یکی از ابزارهای مهم در نفی سیطره اقتصاد دشمن است. از این رو مقام معظم رهبری علیه السلام در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۷، این سال را سال «حمایت از کالای ایرانی» نام‌گذاری کردند.

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۱۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۰۹.

۳. همان، ج ۳، ص ۴۸۶.

۴. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران «۲۲/ ۱۱/ ۱۳۹۷».

• سرمشق‌های امروز

از آنچه گفته شد، اهمیت دوچندان نکات ذیل روشن می‌شود:

۱. **عزت** تنها در **گروارتباط با خداوند متعال**، عمل به آموزه‌های دینی و دوری جستن از دشمن و مظاهر کفر است. پناه بردن به دامان دشمن در هر شرایطی محصولی جز ذلت و خواری و وابستگی نخواهد داشت.

۲. **کنار نهادن عناصر مؤمن** در اداره جامعه و چشم دوختن به عناصر بی‌دین داخلی دشمنان خارجی زنگ خطر انحطاط و سقوط جامعه اسلامی است؛ بنابراین در همه زمان و مکان و در تمام **انتخابات‌ها**، پشتیبان عناصر مؤمن و انقلابی باشید. ۳. مردم جامعه باید مطالبه‌گر بوده و مسئولان خود را از هرگونه ارتباطی با دیگر کشورها که منجر به سلطه آنها و در دست گرفتن شریان‌های فرهنگی و **اقتصادی** جامعه می‌شود، ممانعت نمایند.

۴. حمایت از تولید داخلی با تأکید بر مرغوبیت و کیفیت کالا، باید در دستور کار همه عناصر تأثیرگذار بر تولید باشد.

۵. مصرف کالای داخلی به منظور ایجاد استقلال اقتصادی و عزت‌آفرینی در این عرصه، باید سرلوحه زندگی هر ایرانی بوده، آن را به‌سان یک **فرهنگ** به نسل بعد از خود انتقال دهند.

۲۹

آیات منتخب

با تأکید بر

قوله
خالد
الافرنس

عزت‌آفرینی در
توانمندی اقتصادی

آیه

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ
يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾

(سوره بقره)

ترجمه

«کیست آن که به خدا وام نیکو دهد، تا آن را برایش چندین برابر
ببافزاید؟ و خداست که [روزی را] تنگ می‌گیرد و وسعت می‌دهد و
[همه شما برای دریافت پاداش] به سوی او بازگردانده می‌شوید.»

موضوع

• قرض الحسنه و چرخش سرمایه در اقتصاد اسلامی

• قرض

این واژه در لغت به معنای بریدن و قطع کردن است و از این رو در زبان عربی به «قیچی» که وسیله بریدن است «مقراض» می‌گویند. وام دادن به دیگری هم از این جهت «قرض» نامیده شده که وام‌دهنده در حقیقت مقداری از مال خود را بریده، از اموالش جدا می‌کند و به وام‌گیرنده می‌دهد، البته به شرط بازگرداندن عین یا بدل آن.

• قرض الحسنه

باید دانست که قرض دادن با هر شرطی در درگاه الهی مطلوب نیست؛ قرض دادن اگر با بهره و سود همراه باشد، از این نظر که وام‌دهنده می‌خواهد چیزی بیشتر از اصل وام بگیرد، «ربا» و از این نظر که اگر وام‌دهنده چیزی نگیرد، به حسب ظاهر ارزش مالش کاهش پیدا می‌کند و برای جبران این کاهش ارزش قصد زیاد گرفتن دارد، «نُزول» نامیده می‌شود. گرفتن هر نوع زیادی بر اصل قرض حرام و از گناهان کبیره است. در طرف مقابل، قرض دادن بدون زیادی، سود و بهره، نزد خداوند پسندیده است و به همین دلیل، قرض نیکو (قرض الحسنه) نامیده شده است.

• قرض و چرخش سرمایه

در اقتصاد اسلامی سرمایه به منزله خون جاری در رگ‌های جامعه است؛ اگر یکی از اعضای بدن خون را برای خود احتکار کند و خون به سایر اجزای بدن نرسد، بقیه اعضا مرده، از بین می‌روند؛ آنچه موجب حیات تمام اعضای بدن است، چرخش خون در همه جای آن است. بدین سان جامعه اقتصادی سالم هم نیاز به چرخش سرمایه میان اعضای جامعه دارد. در اقتصاد اسلامی قرض دادن سرمایه، یکی از بهترین راه‌های چرخش این خون مولد در شریان‌های جامعه است؛ البته قرض الحسنه چرخش صحیح سرمایه و ربا چرخش ناصحیح سرمایه در جامعه است.



• ربا از منظر قرآن و روایات

از دیدگاه قرآن کریم رباخوار همچون کسی است که با خدا اعلان جنگ کرده باشد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ *

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»^۱

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و آن زیادی مال را که بر اثر ربا به دست

آمده رها کنید، اگر دارای ایمانید. حال اگر نکنید باید بدانید که در حقیقت

اعلان جنگ با خدا و رسول کرده‌اید.)

لحن اخبار و روایات در مورد ربا از آیات شدیدتر است. در روایتی از امام رضا علیه السلام ربا از

گناهان کبیره‌ای برشمرده شده که در شریعت تمام انبیا و رسولان الهی حرام بوده است:

«إِنَّ الرِّبَا حَرَامٌ سُحَّتْ مِنَ الْكِبَائِرِ وَمَا قَدْ وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ، فَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنْهَا وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَى

لِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ وَفِي كُلِّ كِتَابٍ»^۲

(ربا حرام و از گناهان کبیره می‌باشد و از گناهانی است که خداوند وعده آتش بر آن

داده است، پس از آن به خدا پناه می‌بریم، این گناه بر زبان هر پیامبر

و در هر کتاب، حرام بوده است.)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرِّبَا وَآكَلَهُ وَبَاعَهُ وَمُشْتَرِيَهُ وَكَاتِبَهُ وَ

شَاهِدِيَهُ»^۳. (پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ربا، خورنده آن، فروشنده، خریدار آن، نویسنده و دو شاهد آن

را لعن کرده است.) نیز فرمودند: «دَرَاهِمٌ رِبَاً أَكْثَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زَنْبِيَةً كُلُّهَا بِذَاتِ مُحْرِمٍ فِي

بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ»^۴. (یک درهم ربا از هفتاد زنا با محارم در خانه خدا شدیدتر است.)

• فلسفه تحریم ربا

شاید بتوان امور زیر را از فلسفه‌های تحریم ربا برشمرد:

۱. بقره: ۲۷۸-۲۷۹.

۲. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۵۶.

۳. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۷.

۴. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۱۴۴.

اول اینکه در معاملات ربوی ساختار معامله به نحوی است که رباخوار زیان نمی‌بیند و تمام زیان‌های اجتماعی بردوش طرف مقابل می‌افتد؛ به همین دلیل، افراد رباخوار و مؤسسات ربوی روز به روز سرمایه‌دارتر و وسیع‌تر می‌شوند و طبقات ضعیف تحلیل می‌روند و اموال خودشان را از دست می‌دهند.

دوم اینکه در تجارت‌ها و خرید و فروش‌های متعارف، طرفین معامله در مسیر تولید و سازندگی گام برمی‌دارند؛ در صورتی که شخص رباخوار یا مؤسسات ربوی هیچ عمل مثبتی در زمینه تولید و سازندگی ندارند؛ بلکه با اعتماد به درآمد حرام از هرگونه حرکت و فعالیت و سازندگی خودداری می‌کنند.

سوم اینکه اگر رباخواری در یک جامعه شیوع پیدا کند، سرمایه‌ها در مسیرهای ناسالم به کار افتاده، پایه‌های اقتصادی جامعه متزلزل می‌شود. عده‌ای به مال‌اندوزی بدون هیچ‌گونه فعالیت اقتصادی مشغول می‌شوند و عده‌ای دیگر تمام تلاش و درآمد خود را باید در اختیار رباخواران قرار دهند و این در حالی است که اگر تجارت، سالم و صحیح باشد، موجب گردش مالی و ثروت در جامعه می‌شود و افراد برای رسیدن به جایگاه مناسب خود فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که در نهایت موجب شکوفایی اقتصادی جامعه شده، همه را به نتیجه مثبت اعمال و فعالیت‌های اقتصادی می‌رساند.

چهارم اینکه رباخواری، منشأ دشمنی‌ها و درگیری‌های طبقاتی در یک جامعه است.

• فضیلت قرض الحسنه

به هر مقدار ربا در درگاه خداوند متعال مبعوض و ناپسند است، قرض الحسنه محبوب خداوند و مورد سفارش اوست. در شش آیه از قرآن کریم از قرض الحسنه سخن به میان آمده و در تمام این موارد، خداوند از بندگانش درخواست قرض کرده است؛ یعنی وقتی شخص گرفتار برای رفع گرفتاری خود از شما تقاضای وام می‌کند، **گویی خداوند متعال**

۳۳

آیات منتخب



اقتصاد مولد

به سمت شما دست یاری دراز کرده است: (أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا) حال که چنین است مراقب باشیم مبادا خداوند را دست خالی برگردانیم!

• قرض الحسنه برتر از انفاق

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«الصَّدَقَةُ عَشْرَةٌ أَضْعَافٍ وَالْقَرْضُ ثَمَانِيَّةٌ عَشْرَ ضِعْفًا»^۱

(صدقه ده برابر و قرض و وام هجده برابر در نامه اعمال انسان ثبت می شود.)

علّت اینکه فضیلت قرض از انفاق و بخشش بیشتر است، سه چیز می تواند باشد:

اول: قبول صدقه برای بعضی افراد کسر شأن محسوب می شود؛ لذا ممکن است در عین گرفتار بودن از قبول صدقه خودداری کنند؛ ولی دریافت وام و قرض چنین نیست و امری آبرومندانه است.^۲

دوم: انفاق بخششی بلاعوض است و هرکس ممکن است آن را قبول کند، چه نیازمند باشد و چه نباشد؛ ولی قرض را چون باید پس داد، معمولاً جز شخص نیازمند به آن رغبت نمی کند.^۳

سوم: پولی که بابت قرض داده می شود، مشکل گرفتاری را حل می کند و دوباره برمی گردد و در چرخه قرض الحسنه می تواند مشکلات افراد دیگری را هم حل کند؛ ولی مال انفاق شده برگشتی ندارد.^۴

• سفارشات برای امروز

در زندگی خود تأمل کنیم برآستی ما چقدر در انجام این دستور الهی کوشا هستیم؟! چقدر برای تحقق این فرمان الهی برنامه ریزی کرده ایم؟! آیا قرض الحسنه در زندگی ما وجود دارد یا نه؟

کسانی که تمکن مالی دارند، می توانند هر ماه مقداری از درآمد خود را برای

۳۴

آیات منتخب

با تکیه بر



درس چهارم

۱. جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۸۴.

۲. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۵۶.

۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۳۹۶.

۴. همان.

قرض الحسنه به مؤمنان گرفتار کنار بگذارند؛ کسانی هم که چنین توانایی ندارند، حداقل باید هنگام مراجعه برای وام به هر مقدار و به هر صورت که می‌توانند در رفع گرفتاری برادر دینی خود اقدام کنند.

راه‌اندازی «قرض الحسنه‌های خانوادگی» با رعایت شرایط و ضوابط، گامی مهم در تحقق قرض الحسنه است؛ می‌توانید با هماهنگی تعدادی از اقوام و دوستان صندوقی برپا کنید تا هم اعضای صندوق از وام قرض الحسنه بهره‌مند شوند و هم نیازمندان دیگر. ممکن است کسی که به او قرض داده‌اید، فعلاً توانایی پرداخت بدهی خود را نداشته باشد؛ در این صورت دستور قرآن کریم این است که باید به او مهلت بدهید، البته اگر بتوانید از طلب‌تان صرف نظر کنید و به او ببخشید بسیار بهتر است:

«وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۱

(و اگر بدهکار شما در تنگی و فشار است باید مهلتش دهید، تا هر وقت داشت بدهد؛ البته اگر در صورت عدم توانایی بر پرداخت آن را ببخشید برایتان بهتر است، اگر از فضیلت این بخشش آگاه باشید.)

باید بدانید اگر بدهکار در بازپرداخت وام تأخیر کرد و شما هم صبر کردید، به ازای هر روز تأخیر در درگاه الهی پاداشی قابل توجه برای شما نگاشته می‌شود؛ امام صادق ع فرمود:

«مَنْ أَقْرَضَ قَرْضًا وَصَرَبَ لَهُ أَجَلًا فَلَمْ يُؤْتْ بِهِ عِنْدَ ذَلِكَ الْأَجَلِ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ فِي كُلِّ يَوْمٍ يَتَأَخَّرُ عَنْ ذَلِكَ الْأَجَلِ بِمِثْلِ صَدَقَةِ دِينَارٍ وَاحِدٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ»^۲.

(هرکس قرض بدهد و برای پس دادن قرض موعدی را مشخص کند و قرض‌گیرنده پول را در آن تاریخ برنگرداند، در درگاه خداوند به ازای هر روز که در ادای دین تأخیر صورت می‌گیرد، اجر صدقه یک دینار برایش ثبت می‌شود.)

آری! جریمه تأخیر قرض را خداوند می‌پردازد؛ چون قرض‌گیرنده حقیقی اوست.

(أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا)

۱. بقره: ۲۸۰.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۳۰.



ابتلاء و آزمایش به واسطه اموال

آیه

لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَنِ الَّذِينَ أُشْرِكُوا أَدَى كَثِيرًا وَإِنْ نَصَبُوا وَتَثَقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٧٦﴾

(سوره بقره)

ترجمه

«یقیناً در اموال و جان هایتان امتحان خواهید شد و مسلماً از کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی به آنان داده شده و [نیز] از کسانی که شرک آوردند، سخنان رنج آور بسیاری خواهید شنید و اگر [در برابر آزار اینان] شکیبایی ورزید و [از تجاوز از حدود الهی] بپرهیزید [سزاوارتر است]. این اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است.»

موضوع

- آزمایش انسان به وسیله مال و جان
- آثار صبر در ابتلائات

• شرح واژه

«لَتَبْلُوَنَّ»: از ریشه «ب ل و» به معنای آزمایش و امتحان کردن است؛^۱ حرف «لام» بر سر این کلمه و نون مشدّد در پایان آن حرف تأکید هستند و معنای واژه با تأکید چنین خواهد بود: «قطعاً قطعاً قطعاً آزمایش خواهید شد».

• سنّت ابتلاء

سنّت‌های الهی به معنای قوانین حتمی و حاکم بر جهان هستی هستند که از طرف خداوند متعال اعمال می‌شوند؛ مطابق آیات قرآن، سنّت‌های الهی اولاً همواره ثابت و تغییرناپذیرند، ثانیاً فراگیر بوده و هیچ کس از آنها مستثنی نیست:

«وَلَنْ يَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»^۲

(و هیچ‌گاه در سنّت خدا تبدیل و تغییر نخواهی دید.)

خداوند متعال در اداره جهان هستی سنّت‌های فراوانی دارد و اطلاع از این سنّت‌ها کمک بسیار زیادی به زندگی بهتر ما دارد؛^۳ برای اینکه اهمیّت اطلاع از این سنّت‌ها روشن شود، تصوّر کنید کسی با هزینه گزافی وارد یک بازی تخصصی شده و بدون اطلاع از قواعد و قوانین بازی، مشغول بازی می‌شود؛ طبیعتاً چنین کسی به جز ضرر و زیان به خود و دیگران نتیجه‌ای عایدش نمی‌شود؛ مثلاً بازیکن فوتبالی که با قوانین بازی آشنا نیست، در بازی جام جهانی، جز دردسر برای خود و دیگران چه سودی دارد؟!

یکی از سنّت‌های الهی، سنّت «ابتلاء» است؛ یعنی خداوند در این دنیا بنا دارد همه را به هر صورت که شده آزمایش و امتحان کند؛ هیچ کس از این امتحان مستثنی نیست و از این رو ما هم باید در انتظار امتحان الهی باشیم و چه بسا اکنون که مشغول مطالعه این متن هستیم، به یک یا چند مورد از ابتلائات الهی مبتلا باشیم؛ خیلی از مسائلی که

۱. مفردات ألفاظ القرآن، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. احزاب: ۶۲؛ فتح: ۲۳.

۳. ر.ک: سنت‌های الهی و نقش آن در زندگی ما (محسن عباسی ولدی)، سنّت‌های الهی (عبدالکریم زیدان)، سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن (احمد مرادخانی تهرانی).



در زندگی ما رخ می‌دهد، در واقع امتحان الهی است و اگر ما متوجه امتحان بودن آنها نباشیم، ممکن است با برخوردی نامناسب در آن امتحان سربلند و پیروز نباشیم. در بررسی این سنت الهی باید به **چند سؤال** پاسخ داد: **اول** اینکه چرا امتحان می‌شویم؟ **دوم** اینکه خداوند با چه چیزهایی ما را امتحان می‌کند؟ و **سوم** اینکه چه کنیم که در امتحانات الهی سربلند باشیم؟

• هدف از امتحانات الهی

معلم گاه از شاگردان خود امتحان می‌گیرد تا بداند کدام یک درس را خوب فرا گرفته‌اند و گاه خودش به وضعیت آن‌ها آگاهی دارد و امتحانش صرفاً به این دلیل است که خود شاگرد بفهمد در چه رتبه‌ای قرار دارد و اگر بعداً مشمول جایزه یا تنبیه شد، جایی برای اعتراضش باقی نماند.

غرض خداوند از امتحان کردن مخلوقات قطعاً علم به خوب و بد آنها نیست؛ چون خداوند علمی بی‌پایان به گذشته، حال و آینده دارد؛ بلکه غرض وی، **آگاه شدن انسان‌ها** از **ظرفیت خودشان** است و نیز بیدین دلیل است که **ملاک و معیاری** باشد که بتواند در روز قیامت بر اساس آن پاداش و جزا بدهد و راه هرگونه عذر و اعتراضی را برایشان ببندد.

• مواد امتحان الهی

مطابق آیه محلّ بحث اموال و نفوس دو متعلّق امتحان الهی هستند؛ ولی توضیح بیشتر مواد امتحانی در آیه ۱۵۵ سوره بقره چنین آمده است: «وَلَتَبْلُوَنكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» خداوند برخی را با ترس و استرس، بعضی را با گرسنگی و نداری، یکی را با ضرر و زیان مالی، یکی را با آسیب‌های جسمانی و از دست دادن اعضای خانواده و یکی را با کم شدن محصولات کشاورزی امتحان می‌کند.

نکته مهم این است که **هیچ کس از امتحان الهی مستثنی نیست**؛ ولی امتحان هرکس با دیگری ممکن است متفاوت باشد؛ درست مثل اینکه همه دانش‌آموزان

بالاخره در دوران تحصیل یک روز باید امتحان بدهند و هیچ کس از امتحان دادن استثنا نیست، ولی یکی امروز امتحان دارد، یکی فردا، دیگری پس فردا و آن دیگری هفته بعد؛ ضمن اینکه یکی امتحان ریاضی دارد، یکی فیزیک، یکی ادبیات فارسی، یکی جغرافیا و آن دیگری چیزی دیگر.

• راهکار موفقیت در امتحان الهی

کسی از امتحانات الهی سربلند و پیروز بیرون می‌آید که **اهل صبر و تقوا** باشد؛ به همین دلیل، خداوند متعال در انتهای آیه شریف، بعد از طرح سنت ابتلاء فرمود:

«وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا»

• اقسام صبر

مطابق روایتی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام صبر سه گونه است: **صبر بر مصیبت** (تحمل سختی‌ها)، **صبر بر طاعت** (انجام دستورات الهی) و **صبر بر معصیت** (خویشترن داری از ارتکاب گناه): «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: الصَّبْرُ عَلَى الْمُصِيبَةِ وَالصَّبْرُ عَلَى الطَّاعَةِ وَالصَّبْرُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ»^۱ آنچه در آیه محل بحث مطرح شده، مربوط به قسم اول (صبر بر مصیبت) است؛ گفتنی است که بین عوام مردم هم مراد از صبر، همین صبر بر مصیبت است.

• کیفیت صبر

صبر بر مصیبت یعنی تحمل کردن مشکلات و جزع و بی‌تابی نکردن و رضایت به مقدرات الهی و **شکایت نکردن از خدا**. بعضی از مردم وقتی به مصیبتی دچار می‌شوند، ابتدا تا می‌توانند دست و پا زده، جَزَع و فَزَع می‌کنند و از خدا و آسمان و زمین پیش همه شکایت می‌کنند و پس از مدتی که می‌بینند خواه‌ناخواه مصیبت باقی است و کاری از دستشان بر نمی‌آید، آن‌گاه بر طبل رضایت به رضای الهی و صبر بر مصیبت می‌کوبند! باید دانست آنچه مهم است و اجر و پاداشی عظیم دارد، **صبر در ابتدای مصیبت** است نه صبر در پایان؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. التمهیص، ص ۶۴.

«الصَّبْرُ عِنْدَ الصَّدْمَةِ الْأُولَى»^۱

(صبر در ابتدای مصیبت مهم است).

از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است:

«مَنْ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى فِخْذِهِ عِنْدَ مُصِيبَةٍ فَقَدْ أَحْبَطَ أَجْرَهُ»^۲

(هرکس موقعی که مصیبتی بر او وارد می‌شود، به حالت شکوه و شکایت دست بر ران خود بزند، اجرش در آن مصیبت را به باد داده است.)

• صبر سیاسی و اجتماعی

گفتنی است که صبر در فرهنگ دینی فقط در امور شخصی خلاصه نمی‌شود، بلکه در **نامالیقات اجتماعی** و مشکلاتی که جامعه دینی با آن دست و پنجه نرم می‌کند نیز جایگاه خاصی دارد؛ اگر به دقت به تاریخ شکل‌گیری جامعه و تمدن اسلامی بنگریم، خواهیم دید آنچه امروزه از این فرهنگ و تمدن به دست ما رسیده، محصول صبر، **استقامت و در میدان ماندن** اولیای دین و متدینان در ادوار گذشته بوده است؛ مقام معظم رهبری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ چه نیکو فرموده‌اند:

«صبر یعنی چه؟ صبر یعنی در میدان باقی ماندن، از میدان بیرون نرفتن. بعضی از میدان می‌گریزند؛ بعضی نمی‌گریزند؛ اما به تدریج از میدان کناره می‌گیرند؛ این خلاف صبر است. صبر یعنی پایداری کردن، در میدان ماندن، استقامت کردن. صبر یعنی چشم به هدف‌های دور و به افق‌های دور دوختن؛ چشم دوختن به هدف‌های دور... حرکت انقلاب اسلامی یک چنین صبوری را لازم دارد. شما نگاه کنید؛ در دوران صدر اسلام، در آن دهه‌های اول که سختی زیاد بود به خصوص در دوران پیامبر اعظم - صبر کردند، ایستادگی کردند، مقاومت کردند؛ نتیجه این شد که با وجود نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌هایی که برخلاف دستور حقیقی اسلام انجام گرفته بود، اما اوج تمدن بشر در قرن سوم و چهارم هجری متعلق به ملت مسلمان و

۴۰

آیات منتخب

با تکیه بر

قُرْآن
خَوَانِه
الْمُنْتَبِهَاتِ

درس پنجم

۱. شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم عَلَيْهِ السَّلَام)، ص ۸۱.

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۶۲.